

«جایزه مردمی برای «کافه بازی»



در بیشتر جشنواره‌ها و مسابقات آرای مردمی خودش امتیاز جداگانه و جایزه مخصوص دارد. ما هم لااقل از این همه نوجوان که دوروبرمان بودند، پرسیدیم و یکی از برنامه‌های پرمخاطب و قابل قبول برای این بچه‌ها را برای اهدای این جایزه انتخاب کردیم.

اگر اهل دنبال کردن بازی‌های ایرانی باشید، حتما مسیرتان به برنامه «کافه بازی» خورده است. البته چند برنامه با موضوع گیم در شبکه‌های مختلف سیما روی آنتن رفته ولی این بار حضور چهره‌های سرشناس برای انجام بازی‌های رایانه‌ای باعث جذابیت بیشتری در این خصوص شده بود. از طرفی این مجموعه باهدف معرفی و حمایت از بازی‌سازهای ایرانی و فعالان صنعت بازی‌های رایانه‌ای و مروری بر آخرین **تحولات** حوزه فناوری بازی‌های رایانه‌ای وارد عمل شده و الحق هم که خوب عمل کرده و لایق دریافت جایزه مردمی جشنواره ماست.

«جایزه بهترین اثر اقتباسی متعلق است

به برنامه «از بیست»

از قدیم هم گفته‌اند: «هر کی میگه شونزده نیست، هفده، هیجده، نوزده، بیست».

خب این که چرا صحبت از اقتباس می‌کنیم دلیلش این است که این برنامه درواقع برگرفته از مسابقه و پویشی با همین عنوان است. شما که قطعاً نوجوانه را هر هفته می‌خرید و به جای خواندن آن، تک‌تک مطالب را باجان و دل نوش جان می‌کنید، یادتان هست که چند وقت پیش درباره این مسابقه مطلبی

داشتیم و شما را به شرکت در آن دعوت کردیم.



مسابقه‌ای که داوران نام‌آشنایی هم دارد. از محمدحسین پویانفر، حامد عسکری، فضا سادات حسینی و شهرام شکیبا گرفته تا مجید خسرو انجم و بهرام عظیمی. اگر یادتان نیامد این افراد چه‌کسانی هستند یا یک جست‌وجوی ساده در فضای مجازی حتماً آنها را به یاد می‌آورد. خلاصه این برنامه یک جورهایی گام به‌گام نوجوان‌ها و به خصوص شرکت‌کنندگان را با مراحل داور و اتفاقات و حواشی این پویش همراه کرد. به‌زودی هم فهرست برندگان مشخص می‌شود. ما نوجوان‌های بیشتر از همه منتظر نتیجه‌بخش روزنامه دیواری و خبر هستیم و اضافه کردن آنها به تحریریه.

«رزشک طلایی هم با همه توان اهدا می‌شود به پایتخت ۶



البته شما که غریبه نیستید خیلی دلیل برای اهدای این جایزه به دو قسمت پایانی این سریال که درایام نوروز پخش شد، وجود دارد ولی ما فقط به یک مورد آن اشاره می‌کنیم. ما که سریال برای

نوجوان‌ها نمی‌سازیم لااقل دوسه تا شخصیت نوجوان یک سریال را نفرستیم کل نوروز خانه مادرزگشان برای کمک به امور دفن و کفن. البته در این مورد حرف‌های دیگری هم نقل کرده‌اند که ما از عقل کل حتما جوابش را خواهیم پرسید. **رجوع کنید به سؤال یک صفحه ۸.**

«بی‌نهایت شو



درواقع نمی‌دانیم این عنوان چرا در فهرست ما قرار گرفته ولی حتما شما هم ۳۳۰۲ بار تبلیغ آن را دیده‌اید. خدایی پای افرادی هم وسط بوده که بعید می‌دانم بخواهند کسی را سرکار بگذارند و بدون این که جایزه خاصی به آن بدهیم فقط توصیه می‌کنیم شما هم در این مسابقه شرکت کنید و به قول دست‌اندرکارانش

مسافر بی‌نهایت شوید. ان‌شاء... که به سلامت از این سفر برگردید.

این هم راه شرکت در سفر: ارسال عدد ۵ به ۱۰۰۰۸۸۸

حاشیه‌ساز

معمولاً در هر جشنواره‌ای آثاری هم هستند که شاید جایزه‌ای نگیرند ولی خیلی پرحاشیه می‌شوند. ستاره‌ساز البته به‌خاطر تلاشش برای استعدادیابی در عرصه فوتبال خیلی قابل احترام است. ولی احتمالاً اولین تصویری که از آن به ذهنمان می‌رسید، فریادهای فیروز کریمی و خداداد عزیزی است که کم‌مانده روی آنتن دل و قلوه هم را در بیاوردند، گرچه می‌دانیم پشت‌صحنه به هم دل می‌دهند و قلوه می‌گیرند. باوجود این، بهتر دیدیم با یکی از مربیان فصل یک یعنی اسماعیل حلالی گفت‌وگوی ویژه‌ای در همین مورد انجام بدهیم که در ادامه می‌خوانید.



بیشتر نیست که این کار را به درستی انجام می‌دهند. انگار کسی به تربیت بازیکن اعتقاد ندارد. وقتی هم نتوانیم بازیکن را از زرده‌های پایین کشف کنیم و پرورش بدهیم، او در زرده تیم ملی هم بازیکن اثرگذاری نمی‌شود. حس من این است داریم با آزمون و خطا فوتبال کشور را جلو می‌بریم. شاید اتفاقی مثل ستاره‌ساز یک **تغییر و تحولی** در این روند ایجاد کند.

برنامه تلویزیونی طرف هستیم که باید جذابیت هم داشته باشد. اگر برنامه بدون جنجال و جدیت لازم باشد، حتما مخاطب را از دست می‌دهد. اصلاً خیلی‌ها فوتبال را برای حواشی آن دنبال می‌کنند. اما از حق که نگذریم هر چه می‌گذرد ماجراهای آقا فیروز بیشتر می‌شود و خب مردم هم دوست دارند.

«به نظرتون میشه فوتبال ایران از جنجال خارج بشود؟

بستگی دارد شما چه جوری جنجال رو معنا کنید، من خودم به شخصه زیاد این کلمه را دوست ندارم و متأسفانه بعضی اهنگکاران من و مربی‌هایی که می‌شناسم جنجال را به بازیکن‌های خودشان آموزش میدهند که بازیکن کارهای غلطی انجام بدهد تا به نفع مربی شود.

من کاملاً با این حرکت‌ها مخالف هستم و اما متأسفانه در فوتبال ما وجود دارد و تا زمانی که مربی‌ها، این دیدگاه و فکر بر دارا برای فقط خودشان عوض نکنند به نظر من جنجال از فوتبال کشورمان جدا نمی‌شود.

«خودتان هم یک بازی جنجالی داشتید در دربی سال ۷۸.

بله آن سال در بازی دربی تیم‌مان ۹ نفره شد و دونفر اخراجی داشتیم. یکی از اخراجی‌ها من بودم که دوتا کارت زرد گرفتم. خوشبختانه با همان وضعیت توانستیم استقلال را متوقف کنیم. ولی این که افتخار ندارد و من بعد پشیمان بودم چرا کاری کردم که در آن بازی حساس اخراج شوم.

«وضعیت فوتبال نوجوانان و امیدالان چطور است و نگاه‌تان به آینده فوتبالی کشورمان چگونه است؟

متأسفانه به تیم‌های پایه هیچ اهمیتی داده نمی‌شود، چه از طرف باشگاه‌ها و چه فدراسیون. شاید فقط یکی دو تا باشگاه آن هم به صورت فرمالیته این کار را انجام می‌دهند و مجموعاً چهار باشگاه

نوجوانی

من هم مثل بقیه در نونهالی و نوجوانی به فوتبال خیلی علاقه داشتم و از زمین‌های خاکی فوتبالم را شروع کردم و از همان روزهای اول فکر و ذکر من فقط فوتبال بود. البته درسم خوب بود، اما آنقدر که به فوتبال علاقه داشتم و دنبال فوتبال بازی کردن بودم، وقت برای درس نمی‌گذاشتم. از شما چه پنهان کسی هم نبود به ما بگوید در کنار ورزش درس را هم ادامه بدهیم و خب الان مجبور شدم در سن بالا در دانشگاه به تحصیل مشغول شوم با این که می‌توانست خیلی زودتر از اینها این اتفاق‌ها برایم بیفتد. ما در دوران نوجوانی اوقات فراغت آنچنانی نداشتیم و اگر فرصتی گیر می‌آوردیم سریع می‌رفتیم سراغ فوتبال. واقعاً هیچ آرزویی جز این که فوتبالیست مطرحی شوم نداشتیم و از زمانی که به فوتبال علاقه مند شدم، دیگر به هیچ چیز غیر از فوتبالیست شدن فکر نمی‌کردم و دنبال

موفقیت در زده ملی بودم. حتی زمانی که بچه بودم در رویاها هم همیشه پیراهن پرسپولیس و حتی تیم ملی را می‌پوشیدم. شاید آن اتفاق خوبی که باید، برایم رقم نخورد. چون من موقعیت ترانسفر شدن هم داشتم ولی باز ناآگاهی و تصمیم‌های غلط مسیرم را عوض کرد.

استعداد فوتبال هم از کودکی در من وجود داشت. تا یادم هست وقتی به خانه می‌رسیدم فوری توپ را زیر بغلم می‌زدم و می‌رفتم بازی و تمرین. وقتی فوتبال تماشا می‌کردم برای این بود که حرکت‌های جدید یاد بگیرم و بعد در حیاط خانه تمرین کنم. خیلی از تکنیک‌ها را همین طوری یاد گرفتم. این که در بازی پای چپ و راست برایم فرقی نمی‌کند برای این است که اگر کاری را با پای راست بلد بودم، آنقدر تمرین می‌کردم که با پای چپ هم بتوانم انجامش بدهم.